

سلام،

همانطور که درخواست کرده‌اید، سه کاف بصورت پی دی اف، تقدیم شما میشود. این هم شماره ۲۹ و تازه‌ترین شماره سه کاف. امیدواریم که بیسندید.

خواهشی که داریم این است که نهایت سعی خود را کرده و سه کاف را بدست تعداد هرچه بیشتری از دوستان و نزدیکان خود برسانید. شاد باشید.

سه کاف

=====

## ۱- دیدار در پارک لاله

خوب، با شرکت نکردن تو انتخابات، ملت نشون داد که ما خر نیستیم، یعنی یکبار تو خرداد ۷۶ رای دادیم که یه مشت تو دهن خامنه‌ای بزنییم و ببینیم که خاتمی کاری میکنه یا نه، اما این سید خندان هم که همش موعظه میکرد و هی حرفای قشنگ میگفت اما سر بزنگاه که میشد، همیشه نشون میداد که سرش تو توپره بقیه آخوندهاست.

پس همه ناامید شدن و تو انتخابات اخیر شرکت نکردن که نشون بدن ما به وعده و حرف کار نداریم و عمل می‌خواهیم.

اما باور کنین یا نه، این حرکت مردم، آب تو خوابگه مورچگان انداخته و رژیم حسابی روحیه خودشو باخته و تو حالت دفاعی قرار گرفته. این بهترین فرصت برای ملت است که هجوم خود را شروع کند و با استفاده از هر فرصت ممکن، مردم به خیابونا بیان و اعتراضات خودشونو نشون بدن و هی رژیم رو به عقب‌نشینی وادار کنن. این رژیم حالا حسابی زخمی و ضعیف شده اما اگه فرصت بیاره، دمار از روزگار همه درخواهد آورد، پس نباید به آن فرصت داد. برای اینکار باید فشار خود را بر آن هرچه بیشتر کنیم.

فرصت‌ها زیاد است، اولین آن دو روز دیگر ۱۷ اسفند (هشت مارس) و روز جهانی زن است.

حدود ۹۴ سال است که زنان همه‌کشورها این روز را بعنوان روز همبستگی و تجدید عهد در تلاش و مبارزه برای آزادی و برابری جشن میگیرند.

۲۴ سال است که جمهوری اسلامی زنان ما را از برگزاری چنین روزی محروم و بدتر از آن حجاب اجباری را هم بر زنان و دختران تحمیل کرده‌اند. حجاب نشانه‌ پیروزی فرهنگی قرون وسطایی آخوندها بر دستاوردهای مبارزات زنان و کل مردم ایران است که توانستند با زور چماق و اسید پاشی آن را بر زنان ایران تحمیل کنند. تا زمانی که حجاب اجباری هست،

از آزادی جنسی خبری نخواهد بود.

اما زنان و مردان بیدار ایرانی هیچوقت از اعتراض و سرپیچی از قوانین حاکمان باز نایستاده‌اند و بخصوص روز همبستگی زنان را به اشکال مختلف برگزار کرده و رژیم را هرچه بیشتر به عقب رانده‌اند. امسال مراسم ۱۷ اسفند به صورت یک گردهمایی عمومی در ظلع جنوبی پارک لاله تهران (دور استخر) برگزار میشود (از ساعت ۴ تا ۳ بعد از ظهر). این مراسم از سوی یک سازمان غیر دولتی تدارک دیده شده است. **سه کاف از همه خوانندگان خود و بخصوص سه کاف‌ها در تهران و حومه تقاضا می‌کند که برای آزادی جنسی، حمایت از برابری زن و مرد، نشان دادن نارضایتی خود از اوضاع و برای نشان دادن عزم خود جهت تغییر شرایط در گردهمایی روز ۱۷ اسفند در پارک لاله شرکت کنند.** از همین حالا برای آن روز برنامه بریزید، دوستان، همکلاسیها، خواهر، برادر و همکاران خود را برای شرکت دعوت کنید، در هر جا که میتوانید این را هم تبلیغ کنید و دیگران را دعوت کنید که به پارک لاله بیایند.

البته ممکن است که رژیم از ترس، مانع برگزاری این مراسم شود و یا از شرکت پسران و مردان در آن جلوگیری نماید، اما نترسید، حتی اگر اجازه برگزاری مراسم را هم لغو کنند، در اطراف پارک لاله جمع شوید و به تجمع خود حالت اعتراضی دهید، اگر ماموران اجازه ورود به محل را ندادند و حتی درخواست ملایم شما را هم رد کردند، عقب ننشینید. در تاریخ ما هرچی رهبر انقلاب بوده، همه مرد بوده‌اند، کسی چه میداند، شاید اینبار قرعه رهبری به اسم زنان ما بیفتد و یک زن ایرانی رهبر انقلاب جدید ما بشود. این بهترین و زیباترین حرکت ما ایرانیان خواهد بود. همچنین خبر میرسد که در شهرهای دیگر ایران از جمله اصفهان، تبریز، سنندج، اهواز، شیراز و مشهد هم قرار است مراسمی برگزار شود. و از قرار معلوم هموطنان خارج هم بطور همزمان در کشورهای مختلف جهان گردهمایی خواهند داشت.

حرکت بعدی هم چهارشنبه سوری است که در همین شماره مطلب جداگانه‌ای درباره آن نوشته‌ایم.

دیدار در روز شنبه ۱۷ اسفند در پارک لاله.

## ۲- یک شب سه کافی (قسمت دوم)

از دوستانی که قسمت اول این مطلب را خوانده‌اند، خواهش میکنم ابتدا قسمت اول آن را در شماره قبلی سه کاف بخوانند و بعد این قسمت را مطالعه کنند.

بهر حال در شماره قبلی تا آنجا نوشتم که بعد از دراز کشیدن روی



از لای لبهای کس اش به سوراخش رساندم، دیدم که بله، حسابی خیس است، از فرصت استفاده کردم و دو انگشتم را دادم تو و همزمان با عقب-جلو کردن انگشتانم با انگشت شستم هم چوچوله اش را نوازش میکردم. نمی دانم از شدت لذت بود یا از خجالت که دیدم زهره صورتش را با هر دو دستش پوشاند. اما آه و اوه و حرکات تنش نشان از لذت او میداد. خیلی خوشحال بودم که موفقیت خودم را میدیدم و میخواستم ادامه دهم، پس برای غافلگیر کردن زهره، باسنش را روی تخت گذاشتم، پاهایش را کمی بلند کردم و با حرص تمام، زبانم را بحالت بهن شده و با فشار روی کس اش گذاشتم، طوری که بینی ام درست در بالای دروازه و روی چوچوله اش قرار گرفت. حالا داشتم هم بهشتی او را می لیسیدم و هم با دماغم در بهشتی اش یعنی چوچوله اش را تحریک میکردم. زهره دیگر طاقت نیاورد و با حرکتی سریع به موهایم چنگ زد و حین کشیدن موهایم، سرم را بیشتر به آلت خودش فشار میداد. کیر خودم آنچنان شق شده بود که ممکن بود هر آن منفجر شود، اما دلم نمی خواست کار را تمام کنم. میخواستم کار را طولانی تر کنم. این بود که پاهای زهره را گرفته و یواش او را روی شکم برگرداندم و رفتم بالا، طوری که کیرم درست روی باسن اش قرار گرفت.

از پشت گردنش شروع به بوسیدن و لیسیدن کردم و راهم را تا باسن اش ادامه دادم اما خیلی یواش و با حوصله. به باسن اش که رسیدم، دیگر طاقت نیاوردم، سعی کردم خودم را از هر قیدی فارغ کنم، میخواستم برای اولین بار کون زهره را هم بلیسم. به همین دلیل دو دستم را روی قنبلهای کونش گذاشتم، آنها را از هم جدا کرده و روی کونش خم شدم. دایره سوارخ کونش را اولین بار بود که میدیدم. زبان را درست در مرکز سوراخش گذاشتم و شروع کردم به لیسیدن، جالب اینکه هیچ بوی بدی هم نمی داد، هر وقت یک حرکتی را میکردم، حواسم هم بود که حرکت بعدی چی باید باشد، به همین دلیل انگشت شستم را به دهانم در مرکز کونش نزدیک کرده و درست روی مرکز سوراخش گذاشتم حالا چهار انگشت دیگر دستم آزاد بودند، کس اش هم در زیر و به فاصله چند سانتی بود، به همین دلیل انگشتان اشاره و وسط دستم را هم وارد سوراخ کس اش کردم. اینکار واقعاً برایم لذت آور بود. حالا با یک دست هم کون زهره را مالش میدادم و هم کس اش را با دو انگشت می گانیدم. حس کردم که زهره، برای مدت کوتاهی سکوت کامل کرد ولی صورتش را در بالش قایم کرده و به آن چنگ میزد.

آنچنان حشری بودم که حس کردم بدون آنکه به کیر خودم دست بزنم، هر آن ممکن است که آبم بیاید، اما من هنوز کار داشتم. کمی هم احساس خستگی میکردم. رفتم و کنار زهره دراز کشیدم و او را روی خودم کشیدم. شروع کرد به بوسیدنم، کیرم را با دست راست به کس اش نزدیک کردم

و دادمش اون تو و زهره را روی خودم کشیدم طوری که کیرم در درونش ولی رو به سمت شکمم بود، دو پهلوی زهره را گرفتم و حین عقب جلو بردنش، میخواستیم کار را تمام کنم، زهره سرش را که کمی بلند کرد، چشمم به دو پستانش افتاد، شروع کردم به خوردن یکی از پستانش و هی تنش را روی کیرم عقب جلو میبردم. تنها به فاصله کمتر از یک دقیقه آیم با فشار داخل زهره خالی شد. رویم افتاد و شروع کرد به بوسیدن و نوازش صورت و موهایم. قلبم بشت می زد، احساس غرور و شادی می کردم. در این سن و سال توانسته بودم سکس بی سابقه و خوبی با زنم داشته باشم، اما این تازه اول کار بود. ما تازه میخواستیم همدیگر را کشف کنیم. قبل از خواب به این فکر می کردم که سه کاف را به زهره معرفی کنم. بخصوص که قبل از خوابیدن با طعنه به من گفتم اینهمه سال کجا بوده ام. مطمئن هستم که زهره این نوشته مرا بزودی در سه کاف خواهد خواند.

### ۳- ستون فرهاد ۱۸ ساله

حالا که سه کاف در همه موارد مطلب دارد، خوب است که ستونی هم مخصوص جوانان داشته باشد. من خودم ۱۸ ساله هستم و می خواهم از این به بعد درباره گروه سنی خودم بنویسم. شما هم میتوانید مطالب خود را ارسال کنید.

من در میان دوستانم فقط دو نفر را می شناسم که با والدینشان راحتند، یعنی مسائل خود از قبیل دوست دختر یا دوست پسر داشتن را با والدین خود مطرح میکنند، ولی بقیه که تعداد آنها به دو-سه برابر اینها میرسد، اینطوری نیستند.

به نظر من، این کار درستی نیست و میتواند علل مختلفی داشته باشد؛ مثلاً پدر یا مادر خیلی خیلی مذهبی اند یا تفاوت سنی میان آنها زیاد است و دلایل زیاد دیگر.

ولی بهتر است که ما با این مسئله مبارزه کنیم، نه اینکه مثلاً با آنها قهر کنیم، نه..... بلکه بیاییم درست و حسابی و با مقدمه چینی مناسب حرفهایمان را بزنیم و مشکلات خود را بگوئیم. من کسی را می شناسم که وقتی با دختری دوست شد، پدرش همیشه به او پول می داد و او را تشویق میکرد که برای آن دختر کادو بخرد. ولی در مقابل دختری را هم می شناسم که وقتی به مادرش گفت من با پسری با این مشخصات دوست شده ام، آن مادر بعد از آن موضوع چنان آن دختر را کنترل میکرد که آن پسر و دختر مجبور شدند دور دوستی اشان خط بکشند.

من نمی دانم که کدام راه درست است!! اینکه ما جوونها با پدر و مادر خود یکی باشیم و راز خودمان را به آنها بگوئیم یا اینکه بچه ها با والدین

خود مخالف باشند؟ ولی خوشحال میشوم که نظرات شما را بدانم. در اینجا مسئله‌ای بسیار مهم قابل ذکر است. همانطور که خودتان مطمئناً می‌دانید در حال حاضر وضع جامعه ما آنقدر خراب است که از جهاتی باید به والدین حق داد و چون آنها نسبت به دوست ما شناختی ندارند، خوب مخالفت میکنند و این مسئله برمیگردد به جوانان عزیز (بخصوص به پسرها) که بعضی از آنان خیلی مزاحم دخترها میشوند و این مسئله هم تقصیر جوانان نیست بلکه باز هم برمیگردد به این حکومت که خودتان بهتر اوضاع آن را میدانید. ولی در کل قصدم از همه این حرفها این بود که بیایم اندکی فکر کنیم و این مشکل را برطرف کنیم. راستی برای شماره بعدی این ستون برایم مواردی که به نظرتان مهم است و یا حرفهایی که در دلتان سنگینی میکند را بگوئید و گرنه امکان دارد برای شماره بعدی حرفی برای زدن نداشته باشیم. به امید روزی که نه پدری با پسری سر این مسائل مشکل داشته باشد و نه مادری با دخترش سر چنین موضوعی قهر کند..... شاد و سربلند باشید. فرهاد

#### ۴- مطب دکتر امیر

-

#### عفونت قارچی زنان

دستگاه تناسلی زن، مانند سایر ارگانهای بدن دچار مشکلات و بیماریهایی میشود. یکی از این بیماریها که بسیار شایع است، عفونت زنان است. این عفونت‌ها شامل:

۱- عفونت قارچی

۲- عفونتهای باکتریایی

۳- عفونتهای انگلی

۴- عفونتهای ویروسی

میباشند.

عفونت قارچی شایع‌ترین نوع عفونت در دستگاه تناسلی زنان میباشد، و سعی میکنم در این مقاله این مسئله را توضیح دهم.

تمام دستگاه تناسلی زن میتواند دچار عفونت شود، اما معمولاً فقط به عفونت واژن (Vaginitis) عفونت زنان گفته میشود که از علائم آن لکوره Leukorrhea میباشد.

عفونت قارچی در زنان بعلت مخمری بنام کاندیدا آلبیکنس میباشد و برای همین هم به عفونت قارچی اغلب کاندیدیازیس واژن میگویند. این مخمر ساکن طبیعی

روده‌های انسان است و روی پوست هم یافت میشود، و آلودگی از این منابع شایع است (یعنی این همان علت شایع بودن بیماری است). این بیماری صرفاً مقاربتی نیست، یعنی در دخترانی که آمیزش نداشته‌اند هم دیده میشود. این مسئله به علتی که قبلاً ذکر شد (وجود عامل در دهان، روده و روی پوست) میباشد، یعنی حتی کسی که رابطه جنسی هم نداشته بخاطر آلودگی واژن با مدفوع و... ممکن است بیمار شود.

علائم بیماری:

۱- احساس خارش و التهاب در ناحیه مهبل و فرج که اغلب قبل از قاعدگی شدت می‌یابد.

۲- ترشحات مهلبلی که رقیق، بدبو، سفید رنگ و تکه تکه است.

۳- ادرار کردن درناک است.

۴- آمیزش جنسی درناک است.

تشخیص بیماری:

اینکار به عهده پزشک است و بهتر است هیچگاه خود بیمار سعی نکند که بیماری را تشخیص دهد.

درمان بیماری

نوع دارو را پزشک، با توجه به نوع و میزان عفونت تعیین می‌کند اما عموماً درمان شامل استفاده از داروهای زیر است:

۱- قرص واژینال نیستاتین

۲- کرم یا قرص واژینال کلوتریمازول

۳- کرم واژینال مایکونازول

پیشگیری از ابتلا

برای پیشگیری از ابتلا به عفونت قارچی باید:

۱- از مصرف طولانی مدت داروهای ضد آبستنی خودداری کنید

۲- اصول بهداشت فردی را رعایت نمائید

۳- اصول بهداشت جنسی را هم رعایت کنید

۴- از لباس زیر نخی و پنبه‌ای (خالص) استفاده کنید.

شاد باشید.

## ۵- حسین خوش تیپ ۵۵ ساله و پسر ۲۹ ساله

یک روز طبق معمول میخواستم تاکسی بگیرم. مردی با قد بلند و موها و سبیل کاملاً سفید آنطرفتر ایستاده بود و او هم ظاهراً منتظر تاکسی بود. نگاهش که کردم خیلی خوش تیپ به نظر می‌آمد. قبل از سوار شدن، متوجه شدم که هی به من نگاه میکنه ولی زیاد اهمیت ندادم، تا اینکه جلوی یک تاکسی

دست بلند کردم. تا کسی که کمی جلوتر ایستاد، این مرد خوش تیپ که بعدها فهمیدم اسمش حسین است، قبل از من سوار تاکسی شد. خانمی هم روی صندلی جلو نشست، پس در پشت تاکسی پیش حسین نشستیم. اول از من فاصله گرفت ولی سر پیچها مثلاً به خاطر سرعت ماشین به من می چسبید تا اینکه به بهانه دست کردن توی جیوش، دستش رو گذاشت کنار پام و به من نگاه کرد تا عکس العمل منو ببینه. چیزی به روی خودم نیاوردم، آروم آروم شروع کرد به مالیدن پام و زیر چشمی من و بقیه سرنشینان تاکسی رو می پائید. اول میخواستم مانع بشم ولی لامصب اونقدر خوب میمالید و خودش هم جذاب بود که دیگه چیزی نگفتم، مخصوصاً که دیگه یواش یواش دستش رو رسونده بود لای پاهام. وقتی که از من عکس العملی ندید و فهمید که من هم بدم نیومده، خواست که زیپ شلوارم رو هم باز کنه که دستشو گرفتم و یواشکی به دیگران اشاره کردم، منظورم را فهمید و از زیر سیل چخماقی اش لبخندی تحویلیم داد.

با هم پیاده شدیم و کمی قدم زدیم تا اینکه سر صحبت رو باز کردم و اسم و سن او را پرسیدم. همانطور که حدس میزدم ۵۵ سال سن داشت. او هم از سن و اوضاع من جو یا شد که بهش گفتم ۲۹ سالم است.

خلاصه کمی با هم گپ زدیم و در آخر هم شماره موبایل رد و بدل کردیم و آخر سر هم موقع خداحافظی به پیشنهاد او رفتیم توی آسانسور یک ساختمان تجاری و از هم لب گرفتیم؛ چه لبی شیرینی داشت و چه حالی میداد. زبونم رو طوری می مکید که انگار داره بستنی میخوره.

خلاصه اون روز، کیر هر دو تامون تو شلوار ورم کرده، از هم جدا شدیم. تا اینکه چند روز بعدش بهم زنگ زد و منو به خونه خودش دعوت کرد. گفت که خانم رو فرستاده دنبال نخود سیاه و تنها پسرش هم از دواج کرده و مطمئن بود که کسی نمی آد. اولش مردد بودم و راستش زیاد بهش اعتماد نکردم ولی دل به دریا زدم و رفتم. سر راه هم از داروخانه یک بسته کاندوم و یه کرم بی حس کننده خریدم، کسی چی میدونه؟ شاید بدرد بخوره.

حسین با روی خوش از من پذیرایی کرد و خیلی سریع رفت سر اصل مطلب. یعنی اومد و کنارم نشست و شروع کرد به مالیدن تخمام. گفتم اونروز تو تا کسی داشتی زپیتم رو باز میکردی ولی حالا که کسی نیست، از رو شوار میمالی؟ خندید. پا شد، درخونه رو قفل کرد تا اگه احیاناً کسی بیاد، نتونه سرشو بندازه پائین و همینطوری بیاد تو، بعدش اومد و آروم شلوارم رو در آورد، کیرم از زیر شرت داشت خودشو به در و دیوار میزد تا آزاد شه.

قبل از اینکه سراغ شرتم بره، اول پیراهنم رو در آورد، من هم در همان حال پیراهن او را در آوردم، چه هیکل گوشتی و خوبی داشت. با اینکه ۵۵ سالش



بود ولی بدنش بی چین و چروک و پوست زیبایی داشت. با دیدن هیلک قشنگ و سکسی حسین هم حشری بودنم بیشتر شد و هم کیرم شق تر. معطل نکرد و شرتم رو کشید پائین و کیرم ر تا ته کرد تو دهنش. صحنه‌ای برایم باور نکردنی بود. یه مرد مو سفید داره بر ایه جوون که نصف خودش عمر داره، ساک میزنه، ولی نگو که چه حالی می‌داد.

بعد از کمی ساک زدن بلند شد و شلوار و شرتم خودش را هم درآورد، جای شما خالی، چه کیر و کون قشنگ و تمیزی داشت. پشما ی نتراشیده هم مثل هاله‌ای نورانی کیر و کونشو احاطه کرده بود. دیگه حسابی داغ شده بودم و نمی‌دونستم که چیکار بکنم. اما قبل از اینکه کاری بکنم، کیرشو آورد جلو صورتم و گفت حالا نوبت توست.

آروم کیرشو کردم تو دهنم و آهسته عقب-جلو میبردم. می‌دیدم که حسین چشاشو بسته و آه میکشه. با یه دستم شروع کردم به مالیدن سینه‌هاش، نرم و تمیز بودن. آنقدر با نوک سینه‌هاش بازی کردم که سفت شدن، همزمان هم کیرش هی سفت تر میشد. آه و ناله‌اش بلند شده بود. کیرشو از دهنم درآوردم و رفتم سراغ کونش و گفتم که خم شه. خم شد و دستاشو گذاشت رو لبه میل. یه کم لوسیون لا کونش مالیدم و با دستمال خشکش کردم. بعد با دو دست لمبرهای کونشو از هم باز کردم و شروع کردم به لیسیدن سوراخ‌اش. حالا نلیس و کی بلیس! حسین داشت همچنان آه و ناله میکرد و سوراخ کونش هم مثل غنچه باز شده بود و من هم زبانم رو تا آنجا که میتوانستم، میکردم تو کونش و دور سوراخشو می‌لیسیدم. احساس میکردم که هر چه می‌لیسم، سوراخش شل تر و نرم تر میشه. انگشتمو یه کم تف زدم و گذاشتم دم سوراخش و یه ذره فشار دادم. حسین نگاهی به عقب انداخت ولی اعتراضی نکرد، آروم آروم انگشتمو تا ته کردم تو و شروع کردم عقب-جلو بردن و بعد با دو انگشت اینکار رو کردم. حالا دیگه سوراخ حسین کاملاً باز شده بود، یه کاندوم برداشتم و سریع رو کیرم کشیدم. اما حسین گفت که حالا نوبت منه!

پشتم رو بهش دادم و قنبل کردم. او هم با لوسیون کمی لاپا و کونم را تمیز کرد و دهن خودشو به کونم رسوند. تموم کونم رو لیسید و پشمامو با زبونش شونه میکرد. با انگشت یه دستش سوراخمو میمالید و تحریکش میکرد و با دست دیگه‌اش کیر خودشو میمالید، احساس میکردم که بدنم داره منقبض میشه، سوراخ کونم حسابی تحریک شده بود و فکر کردم که هر لحظه ممکنه که آبم بیاد. حسین هم ول کن نبود و هر لحظه زبونشو بیشتر میکرد تو کونم. دیگه واقعاً داشتم می‌اومدم که حسین

سریع از جاش بلند شد و یه ورق روزنامه رو از رو میز برداشت و آب سفیدش رو ریخت روش و بعد ولو شد. برگشتم و یه کم کرم بی حس کننده زدم و یه کاندوم دیگه رو کیرم کشیدم و بهش گفتم که قنبل کنه. سوراخش دوباره سفت و تنگ شده بود، کلی باهاش بازی کردم و انگشتمش کردم تا دوباره نرم شد. سر کیر کاندوم زده‌ام رو گذاشتم دم سوراخ کون حسین و یواش دادم تو. حسین دوباره جان گرفت و آه و ناله رو شروع کرد و بعد از چند لحظه زبونش باز شد: تا ته بکنش تو، آره، محکمتر بکن، منو بکن، کونمو بگا، محکمتر..... این حرفاش خیلی حال میداد و من هم با شدت هرچه بیشتر تلمبه میزدم. دیگه داشتم می‌مردم ولی مگه آبم می‌اومد؟ این کرم که زده بودم کار خودشو کرده بود و دم و دسگاه رو از کار انداخته بود.

آخرش مجبور شدم که برم دستشویی و کیرم رو بشورم و باز هم یه کاندوم تازه بزنم. ایندفعه از پهلو کردمش و اینبار پستوناشو رو هم میمالیدم و ازش لب می‌گرفتم و انگشتمو می‌کردم تو دهنش تا مک بزنه. آخر سر، فهمیدم که سرم گیج رفت، داشتم بیهوش می‌شدم که آبم با فشار اومد ولی سریع کیرمو کشیدم بیرون که اون تو نریزه. حالا نوبت حسین بود که منو جمع کنه؛ منو برد و رو تختش خوابوند و اول بدنم رو حسابی مالش داد، بعد سرشو گذاشت رو سینه‌ام و با هم دو سه ساعتی خوابیدیم.

## ۶- هنر بوسیدن و معاشقه

تحریک کردن و برانگیختن حس هوس خود و طرف مقابل با کمک بوسه‌های داغ، گفتن و رد و بدل کردن حرفهای عاشقانه و یا کلمات سکسی تحریک آمیز (و یا هر نوع جملات و کلماتی که هر دو طرف را حشری میکند) مسئله مهمی در امر عشقبازی و سکس بحساب می‌آید اما خیلی‌ها بسادگی از کنار این مسائل می‌گذرند و نمی‌دانند که چه چیزی را از دست می‌دهند. عدم اعتماد متقابل دو شریک جنسی در رختخواب در خیلی از مواقع ناشی از این است که آنها گرمی، محبت و عشق را از هم دریغ میدارند

کلاً پوست و لب‌ها مناطق حساس بدن هستند که با به خدمت گرفتن آنها و تحریک کردن، میتوان شرر به جان طرف ریخت و خود سرشار از لذت شد. برای دو نفری که میخواهند شریک جنسی هم باشند، کشف مناطق حساس بدن خود و طرف مقابل، از طریق روش تجربه و خطا، صحبت کردن با هم

و با کمک هم یافتن این نقاط حساس در بدن، بسیار ضروری است و میتواند جهان تازه‌ای از لذت جنسی و نزدیک کردن دو نفر به هم را به روی آنها بگشاید.

سکس تنها دخول و تلمبه زدن نیست، کسانی که چنین تفکری دارند، یا بی تجربه‌اند یا هنوز معنی لذت و سکس و حشری کردن و حشری شدن را نمی‌دانند. با معاشقه طولانی تولید هورمون‌ها در بدن تحریک میشود. هنگام نزدیکی جنسی و سکس، فقط به تلمبه زدن و ارگاسم زودرس نپردازید، اصلاً عمل دخول را در ذهن خود کنار بگذارید، خود بخود نوبتش که رسید، از راه می‌رسد، در عوض سعی کنید تمام بدن طرف را نوازش کنید و بگذارید که او هم با دستها و زبان خود به کشف بدن خود شما بپردازد. و یادتان باشد که از در اوائل کار از تحریک آلت تناسلی خود و طرف مقابل خودداری کنید. یادتان باشد که در امر بوسیدن، نوازش و تحریک تنها کسی که مورد نوازش واقع میشود، لذت نمی‌برد بلکه نوازش کننده هم تحریک میشود و از کار خود لذت می‌برد. مسئله مهم دیگر اینکه خیلی از پسران و مردان فکر میکنند که تنها مرد باید زن را نوازش کند، اما این درست نیست، نوازش و تحریک باید دوطرفه باشد.

### هنر بوسیدن

بوسه و نوازش لازمه یک عشق گرم و آتشین است و گرنه صرف سکس را آدم میتواند با هر کسی داشته باشد بدون آنکه واقعاً عاشق طرف باشد. (این امر بخصوص در مورد مردان صدق میکند- بخاطر تفاوت‌های سکس مردان و زنان که از حوصله این مقاله خارج است.) خیلی‌ها با بوسیدن اصلاً رابطه خوبی ندارند و یا حتی نمی‌دانند که چگونه باید طرف خودشان را ببوسند یا لب بگیرند و در هماغوشی خود با یک نفر دیگر اصلاً بوسیدن و نوازش کردن را فراموش میکنند. (یا کنار می‌گذارند.) دو انسان زمانی بوسه، آنهم از نوع داغ و آتشین آن، با هم رد و بدل میکنند که به هم احساس عمیق دارند. بوسیدن فرزند توسط والدین، یا بوسیدن دوستان معمولی، بوسه نیست، بلکه ماچ کردن است برای نشان دادن احساس دوستی و محبت بدون آنکه ربطی به سکس داشته باشد. بوسه تنها بین دو شریک جنسی، دو عاشق، که به هم احساس عمیق دارند، رد و بدل میشود.

ممکن است کسانی باشند که فکر کنند، بدن و یا هیکل خوبی ندارند و به همین دلیل دوست نداشته باشند یا می‌ترسند که طرف بدن آنها را نوازش

کند و زشتی بدنشان را ببینند، اما اصلاً اینطور نیست، ضرب‌المثل لیلی را از چشم مجنون بنگرید، فراموش نکنیم و این را بدانیم که رد و بدل کردن بوسه‌های آتشین و اروتیکی در یک معاشقه امری است بسیار حیاتی. با ممانعت ما از نوازش کردن طرف یا جلوگیری از مورد نوازش واقع شدن از سوی شریک جنسی، هم خود را از لذت و شرر و حال کردن محروم کرده ایم و هم طرف را، امر نوازش و بوسه در نزدیکی کردن دو نفر به هم و برقراری ارتباط حسی و درونی به هم و حتی ارتقا حس احترام آنها به هم، نقش والایی دارد. هستند کسانی که برای طفره رفتن از بوسیدن بهانه می‌آورند، مثلاً با خود میگویند که طرف بلد نیست اینکار را بکند، یا دهان طرف بو می‌دهد. پس دوش گرفتن قبل از هماغوشی و مسواک زدن را فراموش نکنید، مسئله بلد بودن؟؟؟؟ بله میتوان با کمی تمرین، بوسیدن را یاد گرفت، به این هم خواهیم رسید. در اهمیت بوسیدن هر چه گفته شود، باز هم کم است، فقط اشاره‌ای بکنیم و بگذریم: هستند کسانی که (بخصوص بعضی از زنان) که در یک هماغوشی حاضرند ساعتها صرف بوسیدن و معاشقه کنند، مسئله دیگر اینکه گاهی اوقات یک هماغوشی میتواند تنها در بوسه‌های داغ و آتشین و نوازش کردن خلاصه شود و لزومی به دخول و به قول معروف تلمبه زدن نباشد.

### یادگیری بوسیدن

همانطور که در بالا اشاره شد، بوسه و بوسیدن را میتوان یاد گرفت، فقط کمی تمرین لازم است. برای تمرین هم به یک شریک لازم ندارید؛ سر فرصت، رلکس و بدون استرس در خلوت، پشت دست خود را به دهانتان نزدیک کنید، زبان خود را کمی جلو بیاورید طوری که پشت لبهایتان قرار بگیرد، لبها را آرام به پشت دست خود برسانید، لبهای نرم (و کمی مرطوب) و رلکس شده خود را (با فاصله از هم) روی پشت دست متمرکز کنید، زبان خود را بیرون داده طوری که به پشت دست شما برسد و بعد با کمی فشار سطح پشت دست (در فاصله‌ای که دو لب شما از هم قرار گرفته‌اند) را با زبان خود بلیسید. حین کار، اینجا و آنجا، کمی پوست دست خود را مک بزینید، حالات لیسیدن را عوض کنید و.... اینکار به شما تجربه می‌آموزد که در برخورد با یک شریک جنسی چگونه عمل نمائید.

هنگام نزدیک شدن به طرف خود، او را ببوئید، بعد ببوسید، لبهای بالایی و پائینی طرف را جداگانه ببوسید، مک بزینید و یادتان باشد که هیچ عجله‌ای بخرج ندهید، بعد هر دو لب طرف را همزمان ببوسید، بعد از مدتی زبان خود را یوش لای لبهای طرف قرار داده و بطور ملایم به درون دهانش فشار دهید و با زبان خود

قسمتهای داخل دهان و زبان او را نوازش کنید، بلیسید. میتوان سر طرف را با دو دست گرفت ( نه طوری که طرف بترسد یا او را خفه کنید) و زبان خود را تا آنجا که میتوانید به حلق او بفرستید، به طرف فرصت نفس کشیدن را بدهید، با عقب جلو کردن زبان خود در دهان او، با زبان خود دهان طرف را بگائید، اجازه دهید که او هم زبان شما را بلیسد و مک بزند. اینگونه دهان گائیدن زبانی، حس شوری در دو طرف ایجاد میکند که باید آن را چشید و مزه کرد بوسه باید با احساس و طولانی باشد و نباید بسادگی از آن گذشت، بوسه باید پرهوس و پر شرر باشد، همانطور که گفته شد، بوسه‌های خود را تنها به لب و دهان طرف خلاصه نکنید. بوسیدن، لیس زدن و نوازش باید شامل حال تمام قسمتهای پوست بدن طرف شود. در امر بوسیدن و نوازش کردن موهای سر، گوش‌ها، لاله گوش و اطراف آن، داخل گوش ( با زبان خود)، زیر گلو، تمام فاصله سر تا شانه‌ها، تمام صورت، نوک پستانها ( چه مرد و چه زن)، دست‌ها، انگشتان ( و حتی لیسیدن و مکیدن تک تک انگشتان)، پشت دست، کف دستها و ادامه کار به قسمت داخلی ساعد ( پشت و روی آن)، ماهیچه‌ها، زیر بغل، شکم، پهلوها، لمبرها و باسن، کشاله ران، اطراف رانها، قسمت زیر زانو، پاها و حتی لیسیدن و مکیدن انگشتان پاها را فراموش نکنید. بعد از طرف خود بخواهید که روی شکم بخوابد، کار بوسه و نوازش را اینبار از فرق سر شروع کنید و به پشت گردن، شانه‌ها، پهلوها، و همینطور رو به پائین تا انگشتان پا ادامه دهید. بعد دوباره میتوان از پائین به بالا رفت. ابتکار به خرج دادن هم یادتان نرود. ماساژ ملایم قسمتهای مختلف بدن که دیگر بقول معروف نور علا نور است. این را بدانیم که موهای سر، دهان و دست‌ها سه قسمت بسیار حساس هر فردی هستند و روی آنها بیشتر کار کنید. اجازه دهید که طرف هم همین کار را برای شما انجام دهد. اینکار باعث میشود که هم نقاط حساس بدن خود را بشناسید و هم با بدن طرف و نقاط حساس و حشری کننده آن آشنا شوید. لازم به گفتن نیست که هر فردی ممکن است از تمام این نوازشهای گفته شده خوشش بیاید یا فقط بخشهایی از آن را بپسندد، اما انجام اینکار همانطور که گفته شد، یعنی از طریق تجربه و خطا، باعث شناخت بهتر شما دو نفر از همدیگر می‌شود و به شما کمک می‌کند که دفعات بعد روی نقاط بیشتر حساس طرف تمرکز کنید. موضوع دیگر اینکه بعضی‌ها نوازش‌های خیلی ملایم ( طوری که تماس خیلی کمی بین دست شما و بدن طرف باشد،) را می‌پسندند و تعدادی هم نوازشهای با تماس بیشتر را ترجیح می‌دهند.

در مواقع نوازش کردن، میتوان از تمام کف دست استفاده کرد و یا فقط با نوک انگشتان ( و یا ترکیبی از هر دو).  
نوک پستان زنان بخصوص به بوسه، تحریک، نوازش و مکیده شدن حساس می‌باشند و هستند زنانی که با اینکار به راحتی به ارگاسم میرسند.  
بوسه و نوازش و ماساژ دادن و گرم در آغوش گرفتن و گرم بخود فشار دادن نه تنها لذت جنسی میدهد بلکه استرس را هم از بین میبرد و هردوی شما را خمار عشق میکند.

درباره بوسیدن و لب گرفتن، یک راهنمایی کوچیک هم برای اهل فن:  
اگر خمیردندان خوش بو و خوش طعمی سراغ دارید، بد نیست که آن را در کنار خود داشته باشید و هرازگاهی، فقط یک ذره (خیلی کم) از آن را در دهان خود مزه کنید و بعد زبان خود را به دهان طرف فرو برید.  
چیزهای گفته شده در بالا، بخش عمده‌ای در امر سکس و عشق‌بازی است و یادتان نرود که تمرین کنید. سعی کنیم بوسیدن، نوازش و تحریک و ماساژ را یاد بگیریم و دوست بداریم و حواس خود را روی آن متمرکز کنیم و لذت ببریم. توجه به مسائل فوق باعث میشود که ما فقط یک سکس سریع و پنج دقیقه‌ای نداشته باشیم.

در پایان یک نکته مهم را هم فراموش نکنیم و آن اینکه، بعد از نوازش، بوسه و معاشقه که در بالا اشاره شد و بعد هم ارگاسم، یکهو به یکطرف نغلطید و خرناسه بکشید، نوازش ملایم و بوسیدن بعد از آن هم بسیار مهم است، زنان بخصوص به این مسئله خیلی حساسند و علاقمند.

## ۷- ملاحظات

### حلقه در گوش پسران

من یه دختر ۲۰ ساله‌ام و دانشجو. من عاشق پسرهایی هستم که حلقه تو گوش می‌دارن ولی متاسفانه تو ایران این چیزها پیدا نمی‌شه. ولی من تو اینترنت فقط بدنبال دیدن عکسهای پسرانی هستم که حلقه تو گوششان دارند، می‌گردم. تا بحال با چندتا پسر هم دوست بوده‌ام و هر وقت این را به آنها می‌گویم، به من می‌خندند و می‌گویند که این چیزها فرهنگ غربی است. ازتون می‌خوام که در اینباره کمی توضیح بدین.

**جواب:** مسائل، علائق و نیازها قبل از اینکه غربی باشند یا شرقی، انسانی‌اند. آنچه که مردم کره خاکی ما را به هم متصل میکند خیلی بیشتر از نقاط افتراق

ما هستند. حالا فرقی نمی‌کند که زبان یا رنگ پوست ما سفید باشد یا سیاه یا زرد یا سبزه یا..... امروز با کمک علم و تکنیک هم این نزدیکی و بهم پیوستگی انسانهای کره زمین هرچه بیشتر و عمقی‌تر شده. در چنین چارچوبی تقسیم کردن مسائل به شرقی و غربی و یا گاهی ضدیت بیخود و تکیه بر گذشته (بخصوص سنتها و روشهای غلط گذشته) بعنوان ابزار حفظ هویت قومی یا ملی ممکن است ملتی را همچنان اسیر و دربند نگه دارد. اصلاً برخورد با مسائل از این زاویه که این غربی است یا شرقی، غلط است. برخورد باید از زاویه حق انتخاب، احترام به سلیقه و روش زندگی فرد باشد.

درباره حلقه گذاشتن، اگر به دقت در تاریخ ایران دقت کنید و یا نگاهی به آثار باستانی ایران، مصر، و کشورهای مجاور یا آفریقانگاه کنید می‌بینید که حلقه در گوش مردان گذاشتن از قدیم در بین این ملتها رسم بوده اما بعدها به دلایلی کنار گذاشته شده. و غربیها این را از دیگران گرفته‌اند، پس ریشه حلقه گذاشتن یک فرهنگ غربی نیست، بلکه به غرب وارد شده و ماندگار گشته است. حلقه گذاشتن خود یک سلیقه است و اگر پسران یا مردانی دوست دارند اینکار را بکنند، حق آنهاست و کسی نباید مانع شود، هرچند که در جمهوری اسلامی این را ممنوع کرده‌اند ولی شاید وقت آن رسیده که این را هم به یک عرصه برای نشان دادن مخالفت خود با رژیم تبدیل کنیم. از این که بگذریم، بله خیلی‌ها مثل شما از مردان و پسران حلقه به گوش خوششان می‌آید. در غرب زمانی که همجنسگرایی ممنوع بود، این افراد برای نشان دادن گی بودن خود، در گوش چپ خود حلقه می‌گذاشتند و به این شکل همدیگر را پیدا میکردند.

خیلی از ماها از روی ظاهر و شکل لباس در مورد شخصیت افراد قضاوت میکنیم و اگر مثلاً کسی حلقه در گوش داشته باشد، اکثراً او را بچه مزلف و.... میدانند، ولی قضیه اصلاً اینطور نیست. امیدواریم پسران و مردان ایرانی که به حلقه در گوش خود گذاشتن علاقه دارند، تسلیم قضاوتهای دیگران نشوند و کار خود را بکنند تا دخترانی مثل شما هم به مراد خود برسید.

## تبعیض در سه کاف

امیدوارم حال همه‌تون خوب باشه. من یه دختر ۲۱ ساله هستم. از اولین شماره سه کاف شروع به خوندش کردم. این هم اولین باری است که برای شما میل میزنم. من از مجله شما خیلی خوشم اومده، میشه گفت از بهترین مجله‌های اینترنتی است که من دیده‌ام و چون خیلی دوستش

دارم، نمی‌خوام هیچ عیبی داشته باشه. میدونین برای چی این میل رو زدم؟ برا اینکه شما بین پسرها و دخترها تبعیض قائل میشین بخصوص این آخریها که دیگه محشر شده که یه کلاس خصوصی برای راههای بدست آوردن دل خانم‌ها برا آقا پسرها گذاشتین که دیگه هرچی هم بلد نبودن، بهشون یاد بدین. میشه بگین چرا از این کلاسهای خصوصی برای دخترها نمی‌ذارین؟ این دیگه آخر شکل تبعیض است. بهانه هم نیارین که بعد پسرها قراره که برا دخترا بنویسین، چون اگه قرار بود برا هردو بنویسین، باید هردو رو با هم چاپ میکردین. چون فکر میکنم همانقدر که سه کاف بازدید کننده پسر داره، همانقدر هم بازدیدکننده دختر داره، برا همین این کارتون درست نبود. منتظرم که جبران بشه. عاشق شما، یلدا

جواب: از نامه و اعتراض شما خیلی خوشمان آمد. ما باید بگیریم که تبعیض‌ها را در هر جایی که هستند، تشخیص دهیم و آنها را گوشزد کنیم. به همین دلیل کار شما را تحسین میکنیم.

درباره گذاشتن کلاسهای خصوصی برای پسران، ما چنین قصدی نداشتیم تعداد زیادی از پسران برای ما نوشته بودند که بلد نیستند چطوری با جنس مخالف حرف بزنند، و دوستی خود را شروع کنند. ما این را به استریت واکر که یه ستون ثابت توی سه کاف داره، گفتیم و ایشان هم دو مطلب در اینباره نوشتند و اتفاقاً وقتی مطلب دوم ایشان را گرفتیم، خود ما پیشاپیش این تذکر را به ایشان دادیم که ممکن است کسانی مثل شما این برداشت را بکنند، ایشان هم یک توضیح دادند که متأسفانه ما آن را چاپ نکردیم. و ای کاش چاپ میکردیم.

اما اگر مطالب و سؤال و جوابهای سه کاف که دفاع از برابری زن و مرد در آن موج میزند، بگذریم، در ستون استریت واکر (اگر این دو مطلب خصوصی برای پسران را کنار بگذاریم) هم به مسائل زنان زیاد توجه شده است. سخن کوتاه، ما قصد تبرئه خود نداریم، فقط بگوئیم که سه کاف نه تنها با تبعیض بر علیه دختران و زنان مخالف است که ما هیچ تبعیضی بر علیه هیچ انسانی را هم قبول نداریم. اما این به معنای این نیست که ما دیگر کاملاً منزه هستیم و اشتباه نمی‌کنیم،



نه ما هم خطا میکنیم، چون انسان هستیم و هر انسانی اشتباه میکند، مهم اینکه به اشتباهات خود اعتراف و از آنها درس بگیریم.

### عشق از زبان یک ریاضیدان

از هنگامی که موازی یکدیگر در خیابان مستطیل شکل قدم می‌زدیم و آن هنگامی که لبانت با صورتم زاویه منفرجه ساخت احساس کردم که تجزیه شدم و زیر رادیکال قرار گرفتم. محبوبم، ترا چه بنامم؟؟؟  
ایکس یا ایگرگ؟ محبوبم فقط می‌دانم که سینوس لبانت مساوی است با کوسینوس چشمانم، عزیزم، من و تو یک عمل مشترک بودیم که هیچ ریاضیدانی قادر نبود ما را به توان برساند، اما هنگامی که در اتاق کروی شکل قرار گرفتیم احساس کردم که تو مرکز شدی و پس از آن من و تو ناگهان مماس شدیم و از محل تقاطع ما یک عمل مشترک بوجود آمد. و حالا مانند دایره‌ای به دورت می‌گردم و به اندازه تمام خطوط دنیا دوستت دارم. و اینک زمانی است که با قرار گرفتن سینوس تو در بالای کسینوس من و یا بلعکس کسینوس من بر سینوس تو، تا بینهایت تانژانت و کتانژانت داریم.  
امضا: زیر رادیکال با فرجه (پیام)

### همسر و خواهر مادر سه کاف را گائیدن

من می‌خواستم بدانم که واقعاً هدف شما از راه‌اندازی این سایت چی هست و سؤال من اینه که اگر کسی با همسر یا مادر یا خواهر شما گردانندگان سه کاف سکس داشته باشد، شما اجازه اینکار را می‌دهید؟ و آیا حاضر می‌شوید که خواهر یا مادر یا زن شما به هر کس که بخواهند سکس بکنند؟  
**جواب:** اهداف سه کاف در سه مقاله سخنی با خوانندگان (در شماره‌های ۲۲ و ۱۸، ۱۱) بیان شده‌اند و از تکرار می‌پرهیزیم. درباره سؤال دوم شما: خواهر و مادر و برادر و پدر و همه بستگان ما آزادند که با هر کس که می‌خواهند و هر طور که مایلند سکس داشته باشند، این حق آنهاست. البته در همان چارچوب آزادی فردی، حق انتخاب و عدم زورگویی که بارها در سه کاف به آن اشاره کرده‌ایم. ما همانطور که به بستگان خود (دیر یا نزدیک فرقی نمی‌کند) حق دخالت در زندگی شخصی خود را نمی‌دهیم، به خود نیز این حق و اجازه را نمی‌دهیم که در زندگی آنها دخالت کنیم. اگر خواهر یا مادر

یا پدر یا برادر ما دوست پسر تازه بگیرد، اتفاقاً ( قول صددرصد میدهیم) که او را با دوست جدیدش به شام دعوت کنیم و با او یک رابطه دوستی برقرار کنیم و با اینکار هم احترام به خواهر خود را نشان دهیم و هم به طرف بفهمانیم که دوست جدیدش ( بستگان ما ) کدام فرهنگ خانوادگی را دارد ( آزادی، برابری زن و مرد و... ) اگر هم مایل باشند میتوانند شب را در منزل ما در یک رختخواب به همراه خواهر ما سر کنند. نه عیبی دارد و نه ایرادی. این اصول و روش ساده و آزاد زندگی است، این نشان میدهد که ما خود را مالک او نمی دانیم و سکس او را به شرف و یا حیثیت خود مربوط نمی کنیم و مثل عقب مانده های فرهنگی غیرتی هم نمی شویم، شرف و ناموس خود را هم در لای پای خواهر خود قایم نمی کنیم که اگر کسی با ایشان سکس داشته باشد، ممکن است غیرت و ناموس ما به آب اسپرم طرف آلوده شود. ما نشان خواهیم داد که نه تنها خواهر خود را دوست داریم و به انتخاب او احترام بلکه می خواهیم دوست او را هم دوست داشته باشیم. درباره همسر خودمان، ما آنقدر با هم راحت هستیم که مسلماً میتوانیم درباره این مسائل با هم حرف بزنیم و به توافق برسیم بدون آنکه از هم قهر کنیم.

### دلایل اینکه از دیگران عقب تریم

سلام به همه همسن و سالهای خودم. من یه پسر ۱۹ ساله هستم از مشهد. شما تا حالا فکر کردین که چرا ما از کشورهای دیگه عقب تریم؟ خارج از تمام مسائل سیاسی چند مسئله هست که فکر میکنم مهمترین دلیل این عقبماندگی باشه: ۱- وقتی در یه کشور دو نفر نتونن با هم رابطه ( حتی سلام) برقرار کنن، این میشه که اون کشور به نابودی کشیده میشه. ۲- یکی دیگه از مشکلات ما اینه که هیچ دختری نمیتونه برای خودش یه همسر پیدا کنه و باید اینقدر صبر کنه تا یکی خواستگاری اش بیا و این فرهنگ پائین ما را میرسونه. ۳- نداشتن محیطهایی که برای جوانان مهم هستند و باعث آشنایی آنها با هم میشود ( مثل کافه) که دختر و پسر هردو ازش استفاده کنن و جداگانه نباشد. ۴- نداشتن ابزار لازم برای سکس. این تمام حرف دل من بود. امیدوارم که در سالهای آینده زندگی آسانتری داشته باشیم.

### قربون هرچی آدم چیز فهم

سلام، من تمامی مطالب سه کاف رو بدقت میخوانم. راستش بعضی وقتها هم گریه ام میگیره، هم خنده. گریه از بابت اینکه این ام‌الفسادها تا کی میخوان زندگی مردم ایران رو تباه کنن و خنده از بابت اینکه چطور به اکثریت بزرگ راضی میشه که به یه اقلیت سواری بده. تو مطالب شماره ۲۸ سه کاف یه دوستی گفته بود زمان شاه یه خمینی بود و ملت هم دنباله‌رو او شدن و تونستن رژیم رو سرنگون کنن، میخوام بگم که دیگه این خبرها نیست، مثلاً اگه فردا یکی پاشه و بخواد کاری بکنه، کدوم یکی از ماها دنبالش می‌افتیم؟ ماشالله هر وقت هم بحثی میشه، همه شعار میدن، ولی اگه موقع عمل باشه، کسی حرکتی نمی‌کنه. من نمی‌دونم کشوری که اینهمه مخ سیاسی و اقتصادی داره چرا ملتش باید بدنبال احتیاجات اولیه زندگی باشه؟ دین من همان فکر و وجدان خودم است و به نظر دیگران هم تا حد ممکن احترام میذارم، اهل حرف زدن قلنبه سلنبه هم نیستم، کسی رو له نکردم ولی تا دلتون بخوام له‌ام کردن، دلم میخواد داد بزنم که بابا ما جوونا چه گناهی کردیم که گیر استبداد افتادیم و چرا ما جرئتشو نداریم به مناسبتهاهای مختلف که تو خیابونا حرکتی میشه، ما هم بریم و نشون بدیم که بابا مردم، گوربابای هرچی آخوند.

یه چیز دیگه هم سر دلم مونده، آهای عزیزی که داد آزادی سکسی میکنی، تویی که میخوای یکی بهت پا بده، حالا اگه خواهرت دوست پسر بگیره، چی؟ منطقی برخورد میکنی و این رو میپذیری یا میری مثل وحشیا، جیگر طرف رو پاره میکنی؟ اگه منطقی برخورد میکنی میگم که آزادی حق تو هست، اما اگه غیرتت گل میکنه، همین حکومت آخوندی هم از سرت زیادیه چون خرافات و دیکتاتوری توی مغز تو هست، حالا فرق نمیکنه حاکم آخوند باشه یا یکی دیگه. قربون هرچی آدم چیز فهم.

### اخراج از مدرسه شریعتی در بلوار دانش

من نمی‌دونم از کجا شروع کنم؟ من یه دانش‌آموز ۱۷ ساله هستم و امروز برای همیشه از مدرسه اخراج شدم. فکر میکنین واسه چی؟ واسه یه فیلم سوپر. آخه این چه کشوریه که بخاطر یه فیلم سوپر باید شبانه

درس بخونم. چرا؟ مگه چی کردم که اول باید حدود ده تا چک بخورم  
و بعد هم اخراج؟ حالا خوبه سی دی شکسته رو پیدا کردم، تازه حدس  
میزنم که فیلم سوپر باشه. آخه من چی بگم که تو این کشور آدمو از  
درس زده میکنن. دلم میخواد بگم که..... بعدش میگن که چرا کشور  
ما اینقدر بیسواد داره.

## ۸- معرفی سایتهای تازه در این شماره:

۱- اول این سایت که در شماره قبل معرفی کردیم اما بخاطر زیادی بازدید  
کنندگان و شلوغی ترافیک بسته شد و مسئولان آن جای بهتری را پیدا کرده‌اند  
که ثابت باشد:

[www.iran1400.tk](http://www.iran1400.tk) <<http://www.iran1400.tk>

۲- این را هم حتماً ببینید؛

<http://society.gireh.com>

۳- یک سایت تازه:

[www.hotimages.20m.com](http://www.hotimages.20m.com)

۴- این هم یکی دیگه:

<http://ali3d.persianblog.com>

۵- این هم هست :

<http://www.geocities.com/iransgl/iransgl.htm>

۶- این هم یک سایت جدید برای همجنس خواهان :

[www.epsilongay.blogspot.com](http://www.epsilongay.blogspot.com)

۷- این هم سایت همجنسگرایان رشت:

[www.groups.yahoo.com/group/rashthamjens](http://www.groups.yahoo.com/group/rashthamjens)

۸- این هم یک سایت برای ...

<http://2kaf.persianblog.com>

۹- این هم یکی:

<http://groups.yahoo.com/group/kosvakir>

۱۰- این هم یکی دیگه:

[xww.anycities.com/user1/salarxxx/home.htm](http://xww.anycities.com/user1/salarxxx/home.htm)

۱۱- این هم سایتی که هک شده و لونه جدیدی تهیه کرده:

<http://iranphotosex.netfirms.com>

۱۲- این هم یک سایت با سلیقه خودش:

<http://www.LOGHME.PERSIANBLOG.COM>

۱۳- این هم سایت "دایی محسن" که به گفته خودش مطالب سه کاف را در سایت خود

چاپ میکند که افراد از این طریق راحت به سه کاف دسترسی داشته باشند، اما

ما نتوانستیم فونت سایت ایشان را بخوانیم.

<http://www.daeemohsen.persianblog.com>

۱۴- این هم هست:

<http://styx.persianblog.com>

۱۵- این هم یک گروه دیگر:

<http://groups.yahoo.com/group/rabookomar>

#### چند نکته :

ما هیچ مسئولیتی در باره سایت‌هایی که در سه کاف معرفی می‌کنیم، بعهدہ نمی‌گیریم. این سایتها گاهی بنا به عللی ممکن است باز نشوند یا مسئولین آنها به نامه‌های علاقمندان جواب ندهند یا در سیستم ای میل رسانی دچار مشکل شوند، یا کلا از بین بروند و.....

نکته مهم دیگر اینکه بسیاری از دوستان ، از فضای مجانی که بعضی شرکتها در اختیار میگذارند، استفاده کرده و سایت خود را در آنجا میگذارند، اما این شرکتها فقط امکان بازدید تعداد خیلی محدودی را در نظر میگیرند و به محض آنکه تعداد بازدیدکنندگان افزایش یابد، بدون اطلاع قبلی سایت را می‌بندند. همین است که خیلی‌ها برای ما مینویسند سایت‌هایی که معرفی میکنیم، باز نمی‌شوند یا تعطیل شده‌اند.)

از دوستان خواهش میکنیم، هر مشکلی در اینبارہ دارند، با مسئولین خود پایگاههای

مورد نظر تماس بگیرند، ما هم مثل شما، از این سایتها استفاده می کنیم اما در کار آنها دستی نداریم. به دست اندرکاران پایگاهها هم پیشنهاد می کنیم که یک ای میل جداگانه برای خوانندگانی که ممکن است دچار مشکل شوند، در نظر بگیرند. از خود خوانندگان هم این درخواست را داریم که در حد توان با ارسال مقالات، داستان، مطالب، معرفی کردن و..... به ادامه کار این پایگاهها کمک کنند.

=====

اگر سایتهای دیگری هم باشند که تاکنون معرفی نکرده ایم، از مسئولین آنها خواهش میکنیم در صورت تمایل به معرفی پایگاه خود، با ما تماس بگیرند.